

روان‌شناسی اجتماعی شیعیان کوفه در حادثه‌ی کربلا

سید محمد جمال موسوی*

چکیده

برای تحلیل درست یک پدیده‌ی تاریخی باید از زوایای گوناگون به آن نگریست و در نهایت به برآیند نگاه‌ها توجه کرد. عمل‌کرد کوفیان در سال ۶۱ هجری که به حادثه‌ی کربلا ختم شد، تاکنون از زوایای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. این نوشتار بر این است که رفتار آن روز مردم کوفه را از دریچه و رویکرد روان‌شناسی اجتماعی نگریسته، تحلیلی ارائه دهد. در این راه ابتدا به چگونگی پیدایش کوفه و ترکیب قومی-قبیله‌ای و عقیدتی آن اشاره شده، سپس مباحث نظری مطرح گشته است.

کلیدواژه‌ها: کوفه، روانشناسی اجتماعی، درماندگی آموخته شده، هم‌نوایی اجتماعی

مقدمه

از عاشورا بسیار گفته‌اند و بسیار شنیده‌ایم، اما با همه‌ی این‌ها هنوز برای گفتن و شنیدن و پرسش بسیار جا دارد. به راستی چه شد که با وجود فراهم بودن تمام شرایط^۱ برای پیروزی، چنین انتظاری محقق نشد؟ چرا و چگونه ورق ناگهان برگشت و تمام معادلات تغییر کرد؟ آن همه هواخواهان دیروز یا در صف مقابل قرار گرفتند و یا ناظر ساکت و بی‌طرف شدند؟ آیا چند رنگی و عدم ثبات در پندار، آن‌چنان که می‌گویند ویژگی مردم کوفه است؟ و چرا در فرهنگ ما، هرگاه نام کوفه و کوفی به میان می‌آید، ناخودآگاه مفاهیم مکر و حيله، سست عنصری و بی‌وفایی به اذهان خطور می‌کند؟ گفتارها و نوشتارها اعم از تاریخ، ادبیات، مراثی و مقاتل سرشار از این صفات دربارهی کوفیان هستند.^۲

اما این بی‌نیش و نگرش تا چه حد می‌تواند بیان حقیقت و واقعیت باشد؟ آیا این برداشت، یک باور قالبی و یک پیش‌داوری صرف نیست؟ تا چه حد مبتنی بر یافته‌های دقیق و قابل قبول است؟ آیا این صفات ذاتی کوفیان است و نباید این پرسش را مطرح کرد که این صفات ممکن است معلول باشند و باید به دنبال علت گشت؟ آن‌چه که پیداست در شکل‌گیری پدیده‌هایی از این دست، عوامل متعددی دخالت دارند. از این رو نمی‌توان آن رویداد اجتماعی را محدود به یکی از این دلایل نمود و براساس آن حکم صادر کرد. هرچند سخنانی از ائمه علیهم‌السلام در مذمت کوفیان آمده^۳، ولی با کمی دقت و تأمل می‌توان دریافت که این گزاره‌ها مطلق نیستند و باید دید در چه بستر و زمینه‌ای بیان شده‌اند. از سوی دیگر روایات بسیاری هم از معصومان علیهم‌السلام در ستایش و بزرگ داشتن شهر کوفه و مردم آن بیان شده است.^۴ برای نمونه، به دو مورد از این نوع سخنان اشاره می‌گردد. این که «کوفه روضه‌ای از روضه‌های بهشت است».^۵ یا فرمایش امام صادق علیه‌السلام که: «یک درهم انفاق در کوفه برابر است با

^۱ مراد وضعیت آماده‌ی کوفه بعد از معاویه برای انجام تغییرات، گرایش شیعی و پیشینه‌ی حکومتی شیعه در این شهر می‌باشد. موفقیت مسلم بن عقیل در جذب بیعت کنندگان و توانایی وی در محاصره دارالاماره توسط هزاران نفر، به ظاهر موید این امر می‌باشد.

^۲ برای نمونه نگاه کنید به ترجیع بند مشهور محتشم کاشانی:

خوش داشتند حرمت مهمان کربلا	از آب هم مضایقه کردند کوفیان
و آن نامه‌ها و آرزوی خدمت حسین	ای کوفیان چه شد سخن بیعت حسین
آن جد و جهد در طلب حضرت حسین	ای قوم باوفا چه شد آن شوق و اشتیاق
با خویش کرد خوش الم فرقت حسین.	از نامه‌های شوم شما، مسلم عقیل

^۳ ر.ک. به خطبه‌های ۱۳۱، ۱۸۰، و ۱۹۲ **نهج البلاغه**، تصحیح محد دشتی، انتشارات سادات رضوی، چاپ اول، قم ۱۳۷۸.

^۴ ن. ک. به کتاب: سید سامی البدری، **اهل الکوفه بین حقد الامومین والعباسین و ثناء اهل بیت ولواقع التاریخی**، نشر تراث النحف الحضاری، نجف اشرف، ۲۰۱۱. هم چنین نگاه کنید به نامه‌ی دوم امام علی ع به مردم کوفه پس از پیروزی بر شورشیان بصره در ماه رجب سال ۳۶ هجری.

^۵ محمد باقر مجلسی، **بحار الانوار**، ج ۱۰۰، ص ۳۹۴.

انفاق صد درهم در غیر کوفه و دو رکعت نماز در کوفه برابر است با صد رکعت در غیر کوفه»^۱. آن‌چه در کوفه‌ی سال ۶۱ هجری روی داد، خود یک معلول است. معلول نوعی ساخت اجتماعی، شرایط و وضعیت خاص و تأثیرات آن بر احوال فردی و اجتماعی. این مطلب به خوبی روشن است که هیچ حادثه تاریخی - اجتماعی ابتدا به ساکن و بدون پیش‌زمینه نمی‌تواند روی دهد. باید هر حادثه‌ی تاریخی - اجتماعی از جمله عمل‌کرد کوفیان در حادثه‌ی کربلا را در یک روند اجتماعی - تاریخی مطالعه کرده، زمینه‌های پیدایش و ریشه‌های شکل‌گیری آن را در مقاطع زمانی بیشتر جست‌وجو کنیم. در این نوشتار سعی شده است به مدد یکی-دو رویکرد و یافته‌ی روان‌شناسی به تحلیلی در مورد عمل‌کرد شیعیان کوفه در آن مقطع برسیم.

پیدایش کوفه

کوفه در سال ۱۷ ه.ق. (۶۳۸ م)، در ادامه‌ی فتح عراق، به دست مسلمانان بنیان‌گذاری شد. این شهر برای حفاظت از سرزمین‌های فتح شده و هم برای مقابله با تحركات دشمن که به داخل فلات ایران عقب‌نشسته بود، تأسیس شد. در واقع کوفه دستاورد یک پیروزی بود که با تثبیت بر زمین، تضمین می‌شد.^۲ از آن‌جا که سپاهیان مسلمان شرایط آب و هوایی مداین را نتوانستند تحمل کنند،^۳ «سعد وقاص» با مشاوره‌ی خلیفه‌ی دوم، مکانی را که مناسب عرب باشد^۴ و دریایی هم بین آن و مدینه، فاصله نیندازد،^۵ برای استقرار سپاه انتخاب کرد. کوفه پس از تأسیس به دلیل آب و هوای خوب، نزدیکی به ایران و اقتصادی خوب که از راه غنایم فتوحات کسب شده بود، پذیرای سیل مهاجرت اقوام و گروه‌ها از سراسر بلاد اسلامی شد. تا جایی که در زمان امام علی علیه السلام تعداد سپاهیان حضرت را بین ۹۰ تا ۱۲۰ هزار نفر ذکر کرده‌اند.^۶

ساکنان کوفه

عرب‌ها هسته‌ی اولیه و اصلی شهر را تشکیل می‌دادند^۷ ولی مسلمانان غیرعرب و غیرمسلمان هم به تدریج در شهر سکنی گزیدند. عناصر غیرعرب کوفه عبارت بودند از:

۱. سفینه البحار، ج ۷، ص ۵۴۳.
۲. هاشم جیط، کوفه پیدایش شهر اسلامی، ترجمه سروقد مقدم، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ص ۹.
۳. بلاذری، فتوح البلدان، مطبعة الموسوعات، قاهره، چاپ اول، ۱۳۱۷ق، ص ۲۸۴.
۴. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، قاهره، ج ۴، ص ۴۱.
۵. فتوح البلدان، ص ۲۸۴.
۶. مروج الذهب، تحقیق محمد محی‌الدین، دارالمعرفة، ج ۲، ص ۳۸۵.
۷. نعمت‌الله صفری‌فروشانی، کوفه از تأسیس تا قیام عاشورا، ص ۱۷۶.

الف) موالی: که بیش تر از مسلمانان نژادهای ایرانی، ترک، رومی و... بودند.^۱
 ب) یهودیان: بیش تر اهالی مدینه و حجاز بودند که خلیفه‌ی دوم آنان را بنا به مصالح امنیتی به کوفه فرستاده بود.^۲
 ج) مسیحیان: عمدتاً از «بنی تغلب» و «نجران» که در محله‌ای به نام «نجرانیه» ساکن شده بودند. اینان بعدها در زمان برخی والیان نظیر «ولید»، گاه مناصبی را عهده‌دار می‌شدند و نقش مشاور والیان را ایفا می‌کردند.
 د) سایرین: مثل برخی از مجوسی‌ها، زرتشتی‌ها، مانوی‌ها و... که همراه اُسرا وارد کوفه شده بودند.^۳

ترکیب قومی - قبیله‌ای کوفه

کوفه از آغاز برنامه‌ریزی برای سکونت، شکل متمایزی به خود گرفت. قبایل، طبق برنامه و نقشه‌ی خاصی در شهر مستقر گشتند.^۴ ابتدا شهر به هفت ناحیه تقسیم شد. سپس هر قبیله را با هم پیمانانش در یک ناحیه جای دادند. قبیله‌های اصلی و عمده عبارت بودند از: «کنانه»، «قضاعه»، «مذحج»، «تمیم»، «اسد»، «یاد» و «طی». این ترکیب قبیله‌ای دارای آثار ملموس و مشهودی بر جریان‌های سیاسی شهر بود. به ویژه این که برخی قبایل گاه دیدگاه‌های مغایر مرکز داشتند. علاوه بر این نفوذ والیان بر شیوخ و رؤسای قبایل بر جریان‌های سیاسی شهر تأثیرگذار بود. به گواهی مستندات تاریخی، گاه بزرگان قبایل و خواص برای منافع مادی به حکومت نزدیک شده با تأیید و یاری، به آن مشروعیت می‌داده‌اند. اتفاقاتی که در سال ۶۱ هجری در نهایت منجر به فجایع کربلا شد، نمونه‌ای از این همکاری شیوخ، خواص شهر و نظام حاکم است.

ترکیب عقیدتی مردم کوفه

از نظر عقیدتی جامعه‌ی کوفه‌ی آن روز را به دو بخش کلی مسلمان و غیرمسلمان می‌توان تقسیم کرد.^۵ غیرمسلمانان را مسیحیان، یهودیان و مجوسی‌ان ایرانی تشکیل می‌دادند. مسلمانان نیز

^۱ همان، ص ۱۷۸.

^۲ باقر شریف القریشی، حیات امام حسین علیه السلام، دارالکتب العلمیه، قم، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۴۳.

^۳ تاریخ طبری، مؤسسه علمی، بیروت، ج ۴، ص ۳۲۶.

^۴ کوفه پیدایش یک شهر، ص ۱۴۴.

^۵ کوفه از تأسیس تا قیام عاشورا، ص ۱۸۰.

ترکیبی از شیعیان بودند. یعنی، طرفداران امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام، هواداران بنی‌امیه، خوارج و افراد بی‌طرف و بی‌تفاوت.

شیعیان را نیز می‌توان به دو گروه کلی رؤسای خواص و افراد عادی تقسیم کرد. از سران می‌توان به «سلیمان بن سرد خزاعی»، «مسلم بن عوسجه»، «هانی بن عروه»، «حبيب بن مظاهر»، «ابو ثمامه صاندی» و... اشاره کرد. اینان از علاقه‌مندان به امام علی و خاندان اهل بیت علیهم السلام بودند و همین‌ها بودند که ابتدا باب نامه‌نگاری را باز کردند.^۱ اما این که اینان در شامگاه هفتم ذی‌حجه که مسلم بن عقیل به دنبال پناه‌گاهی بود، کجا بودند و چرا برخی از سران در کربلا دیده نمی‌شدند، سوالاتی‌اند که باید پاسخی برای آن یافت. شیعیان عادی هم گرچه از علاقه‌مندان به اهل بیت علیهم السلام بودند، اما تجارب تاریخی سراسر مصیبت‌بار گذشته و بدرفتاری معاویه و والیان او در کوفه با شیعیان، از نظر روحی و روانی، زمینه‌ای برای اقدام مجدد و شرکت آنان در یک قیام شیعی فراهم نساخته بود. افزون بر این، شیعیان کوفه به طور خالص و صددرصد، ترکیب جمعیتی قبیله‌ای خاص را تشکیل نمی‌دادند، بلکه در قبایل مختلف پراکنده بودند؛ زیرا جو غالب آن قبایل، تمایلی به اهل بیت علیهم السلام نشان نمی‌دادند یا اسیر بازی‌های سیاسی شیوخ قبایل و حاکم بودند. در ضمن طرفداران بنی‌امیه در کوفه حضور پر رنگ داشتند.^۲ به‌ویژه بعد از سال چهل هجری که کوفه و بصره هم در محدوده‌ی حکومت معاویه قرار گرفت. اینان باعث گرایش مردم به هیئت حاکمه و موجب ریزش یاران مسلم بن عقیل در کم‌تر از نیم روز گردیدند.

از خوارج هم به دلیل سرکوبی در نهروان و برخوردهای شدید «زیاد بن ابیه» و «عبیدالله بن زیاد»،^۳ نقش‌چندانی در کربلا نمی‌بینیم. سایر مردم نیز افراد بی‌طرف و فاقد خاستگاه اندیشه باور بودند و هر که منافعشان را تأمین می‌کرد، همو را تأیید و قبول می‌کردند. می‌توان گفت بیش‌ترین بخش جمعیت کوفه را افراد بی‌تفاوت تشکیل می‌دادند.

شاید بتوان گفت که سیاهی لشکر بسیاری از وقایع کوفه هم، اینان بودند که تا وقتی احساس خطر نمی‌کردند و منافعشان ایجاب می‌کرد، در صحنه بودند و در غیر این صورت به سرعت میدان را خالی کرده، هم پیمانان‌شان را تنها می‌گذاشتند. همین امر باعث وارد آمدن فشار روانی بر طرفداران نهضت امام حسین علیه السلام می‌شد.

^۱. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۶۱.

^۲. حیات امام حسین علیه السلام، ج ۳، ص ۴۴۱.

^۳. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۲۹.

طرح مباحث تئوریک

(الف) روان‌شناسی اجتماعی:

روان‌شناسی اجتماعی به مطالعه‌ی طرز تفکر، احساس، و عمل آدمی در محیط‌های اجتماعی و چگونگی تاثیر متقابل این محیط‌ها در پندار، احساسات و کردار آدمی می‌پردازد. روان‌شناسی اجتماعی بر این نکته تاکید دارد که رفتار، هم تابع فرد است و هم تابع موقعیت.^۱

در روان‌شناسی اجتماعی این دیدگاه وجود دارد که رفتارهای افراد تحت تاثیر اجتماع قرار می‌گیرد و خود اجتماع نیز در اثر واکنش‌های افراد تغییر شکل می‌دهند.^۲

عواملی چون: فرهنگ، شرایط اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی بر رفتار اجتماعی انسان مؤثرند. پدیده‌هایی که به توده‌ی مردم مربوط می‌شوند؛ مثل: افکار عمومی، پیش‌داوری‌ها، شایعات و نفوذ اجتماعی از این جمله‌اند.

نفوذ اجتماعی بیان‌کننده‌ی کوشش‌های عمدی فرد یا گروه معینی به منظور تغییر عقاید و رفتارهای دیگران انجام می‌دهند، می‌باشد. تلاش آگهی‌های تجارتي برای اثرگذاری بر تصمیم مردم در امر خرید، نمونه‌ای از این مورد می‌باشد.^۳ نفوذ اجتماعی وقتی رخ می‌دهد که یک فرد یا گروه رفتار دیگران را تحت تاثیر قرار دهد.^۴ به عبارتی دیگر، کوششی است برای ایجاد تغییر در عقاید، نگرش و رفتار که هرچند مبتنی بر ادراک کلامی است، ولی از راه‌های دیگری هم برای نفوذ و کنترل افراد بهره می‌گیرد؛ مانند: کاربرد قدرت، دستور مستقیم، تقاضا کردن و نظایر آن.

(ب) هم‌نوایی اجتماعی:^۵

مطالعات مربوط به دخالت تماشاگران، بیان‌گر این مطلب است که مردم هنگام تعریف و تفسیر موقعیت‌های مبهم به ویژه رویدادهای جمعی به یک‌دیگر تاسی می‌کنند و بدون دلیل خاصی به هم‌رنگی با جماعت می‌پردازند.

۱. هیلگارد و اتکینسون، زمینه‌ی روان‌شناسی، ج دوم، ص ۳۲۰.

۲. حمزه گنجی، مبانی روان‌شناسی، نشر روان، چاپ سوم، ص ۱۹۰ - ۱۸۹.

۳. زمینه‌ی روان‌شناسی، ج دوم، ص ۳۷۱.

۴. یوسف کریمی، روان‌شناسی اجتماعی، نشر ارسباران، چاپ نهم، ص ۸۶.

۵. conformity

هم‌نوایی اجتماعی جلوه‌ای از نفوذ اجتماعی است. در هم‌نوایی، افراد سعی در هم‌نوا و هم‌رنگ کردن خود با گروه و تطبیق با هنجارها و فرم‌های آن دارند؛ زیرا عدم هم‌نوایی موجب طرد شدن، منزوی شدن، محروم شدن از حقوق و امتیازات اجتماعی و حتی تنبیه و مجازات از طرف گروه و جامعه می‌گردد. هم‌نوایی، یعنی احساس فشار روانی یا خیالی از سوی گروه به فرد که سبب تغییری در رفتار او شود.^۱ البته هم‌نوایی همیشه معنا و نتیجه‌ی منفی ندارد. شرکت در انجام یک کار مثبت مثل آماده‌سازی یک مزرعه برای کشت، هم‌نوایی مثبت است. اما اگر فرد با یک حرکت منفی مانند اغتشاشات خیابانی و دسته‌های اراذل و اوباش هم‌نوا شود، عملش منفی خواهد بود. اما این نکته که در هر دو نوع، نقش تأمل و تفکر کم‌رنگ می‌باشد و رفتارها بیش‌تر مبتنی بر هیجان شکل می‌گیرد، قابل توجه است.

در هم‌نوایی، رفتار افراد وقتی در حضور جمع هستند در مقایسه با هنگامی که تنها هستند، فرق می‌کند. تحقیقات روان‌شناسی نشان می‌دهد که افراد در حضور جمع تلاش می‌کنند تا به سازشی بین عقیده‌ی خود و عقیده‌ی دیگران برسند.^۲ یافته‌های روان‌شناسی مربوط به دخالت تماشاگر نشان می‌دهد که مردم هنگام تعریف و تفسیر موقعیت‌های مبهم به یک‌دیگر تاسی می‌کنند.^۳ شاید این نکته را بتوان در مورد رفتار کوفیان به نوعی تطبیق داد. افراد زیادی در کوفه بوده‌اند که معتقد به امام حسین علیه‌السلام و حرکت در راه تحقق هدف حضرت بوده‌اند، ولی بسیاری از اینان در جمع و گروه که عقیده‌ی غالب در آن، نظر حکومت بوده است، رفتاری مغایر عقیده‌ی خود بروز داده‌اند. مثالی برای این یافته، گفته فرزدق در ملاقات با امام حسین علیه‌السلام است که گفت: «قلب‌های آنان با توست و شمشیرهایشان علیه تو کشیده شده است».^۴

عامل هم‌نوایی را می‌توان در رفتار مردم کوفه به خوبی مشاهده کرد. این هم‌نوایی در ابتدای سیر حوادث به نفع امام حسین علیه‌السلام و در همراهی و هم‌یاری با مسلم که نقطه‌ی اوج آن است، دیده می‌شود. برداشت من این است که تمام دعوت‌کنندگان امام که با فرستاده‌ی او بیعت کرده‌اند، بنابر یک عقیده و مبنای قوی و اصیل درونی عمل نکرده‌اند و این همراهی‌شان با جمع، با تأمل و تفکر نبوده است. البته در این که عده‌ای از امام دعوت و اعلام آمادگی کرده‌اند و صادق هم بوده‌اند، تردید نیست. اتفاقاً این دعوت‌ها و خواستن از امام برای انجام یک حرکت سیاسی-اجتماعی و قبض قدرت با توجه به شرایط آن دوره - خلاء قدرت ناشی از مرگ معاویه، عدم پذیرش و مقبولیت اجتماعی

^۱ لوک بدار و لاک مارش، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه گنجی، نشر ارسباران، ص ۱۵۹.

^۲ همان، ص ۸۸.

^۳ زمینه روان‌شناسی، ج دوم، ص ۳۸۶.

^۴ ابن مسکویه، تجارت الامم، دارالسرورس لطباعة والنشر، ج ۲، ص ۵۷.

یزید با وجود چهره‌های شاخص‌تر که همه در مد الرسول حضور داشتند - کاری شایسته و منطقی بود و درصد موفقیت و سرانجام گرفتن آن حتی با تجزیه و تحلیل‌های عادی، قابل پیش‌بینی بوده است. همین احتمال بالای موفقیت، باعث همراه و هم‌گام شدن جمع زیادی از مردم با دعوت‌کنندگان صادقی که اندیش‌مندان و خالصانه عمل کردند، برای بهره‌گیری‌های آینده بوده است. هیجان ایجاد شده و شور جمعی هم باعث شده که بسیاری نتوانند با تعقل و فارغ از هیجان اقدام کنند. در بیعت با مسلم بن عقیل بسیاری از بیعت‌کنندگان تحت تأثیر جمع و گروه، جو غالب و سرشار از هیجان و احساسات، اقدام به هم‌نوایی و هم‌رأیی با جماعت کرده‌اند. بعد که این‌زاد با اعمال سیاست‌های زیرکانه‌ی خود و شایعه‌پراکنی، انبوه خلق بیعت‌کننده را دچار تردید کرده و از اکثریت انداخت، همان افراد این‌بار در جهت عکس به هم‌نوایی با فضایی دست زدند که به تدریج غالب می‌شد. هیئت حاکمه با همراهی رؤسا و شیوخ قبایل که افرادی حساب‌گر و ابن‌الوقت بودند و با تجزیه و تحلیل حوادث جاری خط مشی خود را تغییر داده بودند، جو کاذبی از هم‌راهی و هم‌یاری مردم با حکومت راه انداختند و کوفیان به هم‌نوایی و هم‌رنگی تازه‌ای دست زدند.

در هم‌رنگی با پدیده‌ها و روی داده‌های اجتماعی عامل دیگری هم تأثیرگذار است. این عامل، اطاعت از مراجع قدرت می‌باشد. به این معنا که در انجام یک عمل یا رویداد اجتماعی، در مقام فعلیت، این عناصر پائین دست و فرمان‌بر هستند که آن اقدام یا عمل را محقق می‌کنند. و بسیاری از این افراد در انجام این امور متأثر از مراجع قدرت می‌باشند. این به معنای این نکته است که مراجع قدرت و نیروهای موقعیتی و اجتماعی بر رفتار افراد می‌توانند تأثیر گذار باشند و اقدامات و رفتارهای افراد و جمع را سمت و سو و جهت دهند.^۱

تأثیرگذاری این عامل را بر رفتار گروهی از کوفیان که در حادثه‌ی عاشورای سال شصت و یک نقش بازی کردند به خوبی می‌توان دید و ردیابی کرد. برای مثال، پس از روی داد حادثه‌ی کربلا و زمانی که عاملان حادثه مورد پرسش قرار گرفتند، بسیاری از آنان که در رده‌های بالا هم مسؤولیت داشتند، از پذیرفتن مسؤولیت اقدامات خویش سرباز زدند، خود را مبرا اعلام کردند و تقصیر را به دوش مقامات بالاتر انداخته، خود را فقط ماموری که انجام وظیفه کرده است، قلم‌داد کردند. همین مسأله در مورد آحاد افرادی که در حادثه‌ی کربلا شرکت داشته‌اند، به گونه‌ای اولی صادق است. زیرا بسیاری از آنان افرادی عادی، فاقد ابتکار و مقف سیاسی بودند که می‌شود عمل‌شان را اطاعت از مراجع قدرت توجیه کرد.

^۱ ر ک به زمینه روان‌شناسی، صفحات ۳۹۴ الی ۴۰۲.

ج) درماندگی آموخته شده^۱

درماندگی آموخته شده، معرف منفی‌ترین حالت درک فرد یا افراد از خود است. این مفهوم را می‌توان به عنوان حالت ویژه‌ای که اغلب در نتیجه اعتقاد فرد یا افراد مبنی بر این‌که روی دادها در کنترل او نیستند، تعریف کرد. به بیانی دیگر، پس از یک رشته تجربه، که در آن رفتارهای فرد نتیجه‌ی دلخواه یا مطلوب را به دنبال نمی‌آورد، وی به این نتیجه می‌رسد که رفتار و تلاش وی در نتیجه، تاثیر گذار نبوده است و به موفقیت نخواهد انجامید.

این مفهوم، هم در مورد رفتار فردی و هم رفتار جمعی صادق است. اگر فردی در رفتار فردی‌اش و افرادی در رفتارهای جمعی خود به این باور برسند که هیچ کاری از دست‌شان بر نمی‌آید تا شرایط نامطلوب را تغییر دهند، این حالت را درماندگی آموخته شده می‌نامند. ناگفته پیداست که چنین باوری چه پیامدهای ناگواری را در پی خواهد داشت. چنین فرد یا جامعه‌ای از تلاش باز خواهد ماند و اقدامی برای تغییر یا حتی همراهی با حرکت‌های اجتماعی اصلاحی یا انقلابی نخواهد کرد. در چنین فرایندی، جامعه اطمینان خود را از دست داده، اذعان به ناتوانی خود نموده، توانی برای حرکت و خلاقیت ندارد و جامعه به موجودی بی‌تحرك، خنثی و فاقد معیار تبدیل خواهد شد.

هر جامعه‌ای پس از پشت سر گذاشتن یک جنگ_ به ویژه اگر مغلوب شده باشد_ تا مدت‌ها گرفتار روحیه‌ی انزوا طلبی، مشی مصالحه جویانه و گریز از جنگ و حوادث خون‌بار می‌گردد. نگاهی به تاریخ گذشته‌ی کوفه و حوادثی که این شهر پشت سر نهاد، به خوبی این ادعا را تأیید می‌کند. در دوره‌ی خلفای سه‌گانه، حوادث بیش‌تر رنگ و صبغه‌ی جهاد علیه غیرمسلمانان داشت و همگی منجر به پیروزی و فتوحاتی شده بودند. اما در دوره‌ی خلافت امام علی علیه السلام که کوفه پایتخت کشور اسلامی گردید و برای مقطعی چند ساله، مهم‌ترین شهر اسلامی، کوفیان حداقل سه جنگ مهم و خونین را پشت سر گذاشتند. پیامدهای این جنگ‌ها آحاد مردم کوفه را متأثر کرده بود و شاید کمتر خانه‌ای را می‌توان در بصره و کوفه یافت که به خاطر این جنگ‌ها متحمل خسارات و تلفاتی نشده باشد. به ویژه آن که این جنگ‌ها نتایج مطلوبی هم در پی نداشتند. فشارهای عاطفی، اجتماعی، روانی و اقتصادی جنگ‌ها، مردم کوفه را دچار خستگی روحی و روانی کرده بود. در صفین، مهم‌ترین این جنگ‌ها، کوفیان دچار شکست و تفرقه شدند و مهم‌تر این‌که، مورد تحقیر شامیان قرار گرفتند. شهادت امام علی علیه السلام به شکل ترور، در مرکز حکومت اسلامی، ضربه‌ی دیگری بر حیثیت سیاسی_اجتماعی شهر و ساختار عاطفی عراقی‌ها وارد کرد. این سرخوردگی کوفیان را در دوره‌ی حکومت شش ماهه‌ی امام حسن علیه السلام نیز می‌بینیم که چرا و به چه علت کوفیان با تمام تلاش و

فعالیت‌های امام و درخواست‌های مصرانه و خطابه‌های ایشان تمایل به شرکت در جنگی دیگر از خود نشان نمی‌دهند. جریان صلح امام حسن علیه السلام هم، تحقیر دیگری از سوی شامیان برای کوفیانی بود که تنها رقیبان شام بودند. ورود سربازان شامی به کوفه و سخنان معاویه در مسجد شهر کوفه که نماد قدرت و عظمت کوفی‌هاست، صحنه‌ی ناگواری در اذهان کوفیان بر جای گذاشت. بعدها کوچانیدن و تبعید برخی از شیعیان در زمان معاویه را شاهدیم. همه‌ی این حوادث و ناکامی‌ها مردم را به نوعی سرخوردگی می‌کشاند که از آن در روان‌شناسی با نام درماندگی آموخته شده تعبیر می‌شود.

درماندگی آموخته شده بدین معنی است که تنبیه مستمر و غیرقابل اجتناب، سرانجام موجب تسلیم و تن دادن عامل انسانی یا حیوانی به تنبیه می‌شود.^۱ به زبانی ساده‌تر، درماندگی آموخته شده، موجب می‌شود که فرد حتی در مواقعی که احتمال موفقیت هم بالاست، دست به عمل نمی‌زند^۲ و تسلیم قضا و قدر می‌گردد. مفهوم درماندگی آموخته شده، برای تبیین بسیاری از رفتارهای آدمی، مثل: گوشه‌گیری، انزوا و بی‌تفاوتی و... به کار می‌رود. یافته‌های روان‌شناسی نشان می‌دهد که احساس درماندگی حاصل از یک موقعیت، به موقعیت‌های دیگر هم تعمیم می‌یابد.

جنگ‌های سه‌گانه‌ی جمل، صفین، نهروان، و هم‌چنین جنگ‌های همراه با تلفاتی که بعد از جریان حکمیت، میان واحدهای نظامی شامیان و کوفیان که در عراق، حجاز و یمن در گرفت، در میان بسیاری از یاران امام و مردم کوفه نوعی خستگی از جنگ و علاقه به صلح ایجاد کرده بود. کوفیان طی پنج سال خلافت امیرمؤمنان علیه السلام هیچ‌گاه اسلحه به زمین نهندند و از جنگی به جنگی دیگر مشغول می‌شدند. از سویی، جنگ آن‌ها با بیگانگان نبود، بلکه در واقع، با اقوام و برادران و آشنایان پیشین بود که اینک در خیمه‌گاه دشمن مسقر شده بودند.

در واقع این دست و آن دست کردن مردم کوفه، کندی‌شان در گسیل داشتن نیروها برای جنگ با گروه‌های مختلف شام که به حجاز و یمن و حدود عراق شیخون می‌زدند و درنگ‌شان در پاسخ به دعوت مجدد علی علیه السلام برای جنگ می‌تواند نشان‌گر فرسودگی و خستگی‌شان از جنگ باشد.

پس از شهادت اما علی علیه السلام و در دوره‌ی خلافت امام حسن علیه السلام، این پدیده به شدت مشاهده می‌شود.

در مورد کوفیان هم می‌توانیم این‌گونه بیان کنیم که شکست‌های مکرر و ناکامی‌های حاصل از آن، از زمان امام علی علیه السلام تا زمان حادثه، کوفیان را به این باور رسانده بود که حرکت امام حسین علیه السلام نیز از همان مقوله است و راه به جایی نخواهد برد.

۱. یوسف کریمی، روان‌شناسی اجتماعی، ص ۹۱.

۲. هیلگارد و اتکینسون، زمینه روان‌شناسی، ج دوم، ص ۱۴۷.

بنابراین، حتی اگر احتمال موفقیت هم می‌رفت، آنان به لحاظ روحی و روانی عاجز از اقدام به عمل بودند و می‌توان برای شرکت آن عده از کوفیان که گرایش به امام داشتند و در حادثه‌ی کربلا نقش مثبتی ایفا نکردند، از این دیدگاه توجیهی یافت.

این نوشتار بر این بود تا رفتار کوفیان را در آن مقطع زمانی، از زاویه‌ای دیگر بررسی کند. و این که تا چه حد درست است یا بیراه، داوری خوانندگان را می‌طلبد. اما با همه‌ی این گفته‌ها، عمل کرد کوفیان در عاشورای سال شصت و یک هجری نیازمند نگرستن و تجزیه و تحلیل از منظرهای گوناگون می‌باشد؛ زیرا پدیده‌های اجتماعی، تک معلولی نیستند، بلکه حوادث اجتماعی در نهایت برآیند مجموعه‌ای از علل و عوامل‌اند که هر یک تأثیر خاص خود را دارند. رفتار کوفیان در حادثه‌ی کربلا نیز از این قاعده مستثنی نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. البدري، سيد سامي، **اهل الكوفة بين حقد الامويين والعباسيين و ثناء اهل بيت ولواقع التاريخي**، نجف اشرف، نشر تراث النحف الحضاري، ۲۰۱۱م.
۲. مجلسي، علامه شيخ محمد باقر، **بحار الانوار**، بيروت، دارالاحياء التراث العربي، ۱۹۸۳م.
۳. **تاريخ طبري**، بيروت مؤسسه‌ی اعلمی.
۴. طبري، محمد بن جرير، **تاريخ طبري**، قاهره.
۵. ابن مسكويه، **تجارب الامم**، دارالسروش لطباعه والنشر.
۶. القرشي، باقر شريف، **حيات امام حسين عليه السلام**، قم، دارالكتب العلميه، ۱۳۹۳ق.
۷. بدار، لوک و لاک مارش، **روان شناسی اجتماعي**، ترجمه‌ی گنجی، تهران، نشر ارسباران.
۸. کریمی، یوسف، **روان شناسی اجتماعي**، چاپ نهم، تهران، نشر ارسباران.
۹. هیلگارد و اتکینسون، **زمینه‌ی روان شناسی**، ترجمه‌ی دکتر براهنی و دیگران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۱.
۱۰. بلاذري، **فتوح البلدان**، چاپ اول، قاهره، مطبعه الموسوعات، ۱۳۱۷ق.
۱۱. صفري فروشانی نعمت‌الله، **کوفه از تاسيس تا قيام عاشورا**.
۱۲. جعيط، هاشم، **کوفه؛ پیدایش شهر اسلامی**، ترجمه‌ی سروقد مقدم، آستان قدس رضوی.
۱۳. **نهج البلاغه**، تصحيح محمد دشتی، چاپ اول، قم، انتشارات سادات رضوی، ۱۳۷۸.
۱۴. گنجی، حمزه، **مبانی روان شناسی**، چاپ سوم، تهران، نشر روان.
۱۵. **مروج الذهب**، تحقيق محمد محی‌الدین، دارالمعرفة.